

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Using Local Components of Territory to Increase the Social Interactions in the
Navab Residential Complex
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

به کارگیری مؤلفه‌های بومی قلمرو در جهت افزایش تعاملات اجتماعی در مجموعه مسکونی نواب*

محمد مهدی شعبانی^{۱*}، سیدامیر منصوری^۲، ناصر براتی^۳

۱. پژوهشگر گروه معماری، پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه معماری منظر، دانشکده معماری، دانشکده‌های زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۳. استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

چکیده

بیان مسئله: از بدو پیدایش و فراگیری ساخت بلندمرتبه‌های مسکونی، تعاملات اجتماعی به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم و اثرگذار مورد دقت بوده است. با این حال در بسیاری از بلندمرتبه‌های ارزان‌قیمت عدم توجه به این موضوع باعث افزایش ناهنجاری‌ها و نابه‌سامانی‌های اجتماعی می‌شود.

هدف پژوهش: هدف این پژوهش تبیین مؤلفه‌های قلمروی مستخرج از محله ایرانی به‌عنوان سازوکاری فضامند در جهت افزایش تعاملات اجتماعی در بلندمرتبه مسکونی ارزان‌قیمت است. پس از آن پاسخ به این سؤال که مؤلفه‌های بومی قلمرو در مجتمع نواب چقدر به کار گرفته شده و چقدر برای ساکنین ترجیح داده می‌شود، هدف بعدی این پژوهش است.

روش پژوهش: محققین فراوانی مفهوم قلمرو را متأثر از زمان و فرهنگ می‌دانند. پس در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به استخراج مؤلفه‌های قلمروی محله، به‌عنوان شکل فرهنگی سکونت ایرانی پرداخته می‌شود. در گام بعدی مؤلفه‌های مستخرج در قالب پرسش‌نامه‌ای از ساکنین مجتمع مسکونی نواب مورد سؤال قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج پژوهش‌هایی که وضعیت تعاملات اجتماعی را در نواب بررسی کرده بودند و نتایج پژوهش موجود، سطح رضایت از تعاملات اجتماعی کمتر از متوسط بیان شد. با بررسی مؤلفه‌های به‌دست‌آمده قلمرو درصد کمی از ساکنین از وضعیت قلمروی موجود رضایت داشته با این حال بسیاری از آن‌ها علاقه‌مند به کارگیری مؤلفه‌های قلمروی در فضا بوده‌اند. در مورد تعاملات اجتماعی نیز با این که میزان نفرات کمی از تعاملات اجتماعی موجود راضی بودند هم‌چنان تعداد قابل توجهی تمایل به افزایش تعاملات اجتماعی داشتند. در این میان مؤلفه مرکزیت و مالکیت دو مؤلفه‌ای است که برای پرسش‌شوندگان در فضای مجتمع نواب بسیار کمتر ملموس و مشهود قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: بلندمرتبه مسکونی ارزان‌قیمت، تعاملات اجتماعی، قلمرو، کوچه، مؤلفه‌های بومی.

مقدمه

بزرگ‌ترین معضلات بلندمرتبه‌های ارزان‌قیمت نابه‌سامانی و ناهنجاری‌های اجتماعی است. اثرگذاری این مؤلفه در حدی است که در سال‌های ۷۰ تا ۹۰ میلادی بسیاری از ساختمان‌های بلند مسکونی ارزان‌قیمت به این دلیل مطرود و تخریب شدند. با این حال در ایران راهکار بلندمرتبه‌سازی برای اقشار متوسط و کم‌درآمد به‌خصوص در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات موجود در ایران نیز

بنابر نمونه‌های فراوان و تحقیقات متعدد یکی از

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «محمد مهدی شعبانی» تحت عنوان «تبیین رابطه مفهوم قلمروپایی با رضایتمندی سکونتی در بلندمرتبه‌های ارزان‌قیمت امروز ایران (نمونه‌های موردی: چهار مجتمع مسکونی ارزان‌قیمت شهر تهران)» است که به راهنمایی دکتر «سید امیر منصوری» و مشاوره دکتر «ناصر براتی» در پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر در سال ۱۴۰۰ به انجام رسیده است.

** نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۶۰۲۳۹۶۲، Mmahdi.shabani@gmail.com



تصویر ۱. مجتمع مسکونی ارزان قیمت نواب. مأخذ: yun.ir/pug1u3

فیزیکی ساکنین به دلیل تعریف نشدن بستری مناسب برای تعاملات اجتماعی افراد تمایل کمتری برای برقراری ارتباط و حضور در سازمان‌های اجتماعی دارند. محققین فراوانی نیز در این ارتباط به رابطه‌ای غیرخطی رسیده‌اند (McCarthy & Saegert, 1978; Huang & Chun, 2006; نصری، ۱۳۷۴؛ کشفی و همکاران، ۱۳۹۱). این مسئله بدان حد جدی است که در بررسی روند معاصر بلندمرتبه‌های مسکونی در غرب به خصوص در نوع ارزان قیمت به دلیل نابه‌سامانی در تعاملات اجتماعی و ناهنجاری‌های منتج از آن، پروژه‌های فراوانی دچار طرد و تخریب شده‌اند. در نتیجه این روند در سال‌های اخیر بسیاری از مجموعه‌های مسکونی اقشار متوسط و یا کم‌درآمد در کشورهای غربی از لحاظ ارتفاعی کمتر از شش طبقه بنا می‌شوند و بر گسترش در سطح و به‌کارگیری فضاهای جمعی فعال تأکید دارند. در ایران نیز در جهت بررسی مطلوبیت زیست این نوع از ساخت، تعدادی از مجموعه‌های بلندمرتبه موجود مورد بررسی قرار گرفتند (رفیعیان و همکاران ۱۳۸۸؛ غیایی و همکاران، ۱۳۹۰)، که در نتیجه آن‌ها نقش تعاملات اجتماعی در مطلوبیت فضا تبیین می‌شود. در بسیاری از این مطالعات تعاملات اجتماعی به‌عنوان مؤلفه‌ای مؤثرتر از مؤلفه‌های تسهیلات کالبدی بیان شد. آن‌چه از این پژوهش‌ها نتیجه می‌شود، اهمیت مؤلفه تعاملات اجتماعی در مطلوبیت فضا و رضایت‌مندی سکونتی در بلندمرتبه‌های مسکونی است.

• قلمرو بستر به‌وجودآورنده تعاملات اجتماعی

نگاه به انسان به‌عنوان کاربر یک سکونت‌گاه نمی‌تواند به‌صورت انفرادی صورت بگیرد و نمی‌تواند کامل جنبه‌ای جمعی و گروهی داشته باشد. بلکه حضور انسان و زیست آن در بازه‌ای از فردیت و جمع و بازه‌ای از خلوت تا اجتماع اتفاق می‌افتد. مفهوم قلمرو ابزاری در جهت ساماندهی فضای اطراف فرد از طریق کنترل مستمر بر یک فضا، علامت‌گذاری و مرزبندی آن است. این ساماندهی امکان بروز فردیت و حضور در جمع را برای ساکنین یک فضا مهیا می‌سازد. هایدگر قلمرو را حبابی نامرئی برای تعیین

نشان‌دهنده معضلات اجتماعی در این‌گونه مسکونی است. باتوجه به هدف این پژوهش که افزایش تعاملات اجتماعی در بلندمرتبه‌های ارزان قیمت است، مفهوم قلمرو به‌عنوان بستر به‌وجودآورنده عوامل اجتماعی مطرح می‌شود. در ادامه روشن خواهد شد که تأثیر فرهنگ بر مفهومی چون قلمرو، امری قطعی است و مصداق‌ها و ابزارهای قلمرو در فرهنگ‌ها و جغرافیاهای متفاوت به شکلی قابل مشاهده از یکدیگر فاصله دارند. در این‌جا محله به‌عنوان یک ساختار زیستی منطبق با فرهنگ ایرانی در جهت استخراج مصداق‌های قلمروی بررسی می‌شود. برای به‌کارگیری مؤلفه‌های مستخرج در نمونه‌ای معاصر، مجموعه بلندمرتبه مسکونی نواب به‌عنوان یکی از نمادهای ارزان‌سازی برای اقشار کم‌درآمد انتخاب می‌شود. مجموعه نواب با برهم‌زدن ساختار محله‌ای موجود و ایجاد فضای سکونت گروه‌های اجتماعی ناهمگن سعی در پاسخ به تقاضای نیاز افراد کم‌درآمد داشت. برای بررسی میزان مطلوبیت تعاملات اجتماعی در این نمونه در مطالعه‌ای که رفیعیان، عسگری‌زاده و عسگری‌زاده در سال ۸۸ در مورد رضایت از سکونت در این مجتمع انجام داده‌اند، ساکنین رضایت کمتری از میانگین را ابراز داشتند (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۸). تعاملات اجتماعی نیز در حد مطلوبی ارزیابی نشد. در این‌جا این سؤال مطرح است که مؤلفه‌های قلمروی بومی چه میزان در این مجموعه به‌کار گرفته شده است؟ و این‌که این میزان از قلمرو تناسبی با سطح تعاملات اجتماعی موجود دارد؟

روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و با بیان نظریات محققین به استنتاج نقش قلمرو در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی پرداخته خواهد شد. بنابر جمعیت چشم‌گیر اقشار کم‌درآمد شهرنشین و به‌کارگیری بیش‌ازپیش بلندمرتبه‌های ارزان قیمت، جامعه آماری بزرگی شامل این پژوهش شده، پس این پژوهش از حیث وسعت در دسته ابعاد کلان قرار خواهد گرفت. با بیان این‌که مفهوم قلمرو دارای مؤلفه‌های خاص بومی است، مؤلفه‌های موردنظر را در کوچه، اولین واحد قلمروی محله سنتی تبیین می‌کند. بر این اساس، پرسش‌نامه‌ای شامل بیست سؤال طراحی شد و شصت نفر از ساکنین نواب که سابقه سکونت بیش از پنج سال را در مجتمع دارند، مورد سؤال قرار گرفتند (تصویر ۱).

• بررسی تعاملات اجتماعی در بلندمرتبه‌های مسکونی ارزان قیمت

در مورد نقش ارتفاع و تراکم بر تعاملات اجتماعی مطالعات فراوانی صورت گرفته است. به نظر می‌رسد در ساختمان‌های بلندمرتبه علی‌رغم ازدحام جمعیت و نزدیکی

• مؤلفه‌های قلمرو مبتنی بر فرهنگ ایرانی

برای رسیدن به مؤلفه‌های قلمروی قابل بررسی و متأثر از فرهنگ ایرانی، کوچه به‌عنوان اولین و کوچک‌ترین واحد قلمروی انتخاب می‌شود. با نگاهی بر شکل ارگانیک مسیرها در بافت‌های سنتی برخلاف ساختار گذربندی شهرهای معاصر، می‌توان شکل‌گیری حاصل از تعاملات اجتماعی و نیازهای ساکنین را در آن یافت. در نگاه فرهنگ سنتی ایرانی که برخاسته از آموزه‌های اسلامی است، از اساس انسان، دارای جایگاه توأمان فردی و جمعی است. کوچه نیز عنصری کالبدی-مفهومی و آمیخته با اجتماع است.

منصوری معتقد است کوچه در سیری تکاملی از فضای کالبدی شهری به فضای عمومی با امکان خدمات عمومی و درنهایت به فضای جمعی به‌وجودآورنده روابط اجتماعی و هویت جمعی واحد برای ساکنین بدل شده است (منصوری، ۱۳۹۲). می‌توان گفت، گستره گذرهای موجود در محلات علاوه بر این که امکان وقوع حرکت را به‌وجود می‌آورند، مکانی برای درنگ خلق می‌کنند. برای و زین قلم نیز با نگاهی زبان‌شناسانه به اقسام راه در محله ایرانی پرداخته و آن را دارای سطوح متفاوت اجتماعی و کالبدی دانسته است (براتی و زین‌قلم، ۱۳۹۲). در ادامه با نگاهی دقیق‌تر به مؤلفه‌های کالبدی و رفتاری قلمرو به‌کارگرفته‌شده در کوچه، سعی بر دسته‌بندی راهکارهای قلمروی و تکیه بر بیان کیفیت مفهوم قلمرو در کوچه خواهد بود. محققین بسیاری هم‌چون (Lawson, 2001؛ بحرینی و تاج‌بخش، ۱۳۷۸؛ آلتمن، ۱۳۸۲؛ عینی‌فر و آقالطیفی، ۱۳۹۰) به مؤلفه‌های مؤثر بر قلمرو پرداخته‌اند. در این پژوهش در جهت نزدیک‌شدن به نتیجه؛ با تقسیم‌بندی مؤلفه‌های طرح‌شده به دو دسته کالبدی و رفتاری مؤلفه‌های مرزبندی، عرصه‌بندی و مرکزیت ذیل مؤلفه‌های کالبدی و مؤلفه‌های دفاع، مالکیت و هویت، ناظر به مؤلفه‌های رفتاری قلمرو در کوچه بررسی می‌شود (تصویر ۳).

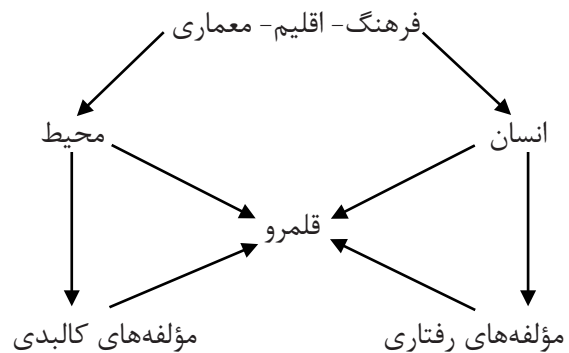
محدوده تصرف هر موجود می‌داند و خصوصی، شخصی بودن و پررنگ‌بودن مسئله دفاع را جزو جدانشدنی این مفهوم می‌داند. سوم از محدوده قرمز اطراف فرد که کاملاً شخصی است نام می‌برد (مدنی‌پور، ۱۳۷۹). در این میان محققین فراوانی (مدنی‌پور، ۱۳۷۹؛ آلتمن، ۱۳۸۲؛ لنگ، ۱۳۸۱؛ Pastalan, 1970) به نقش رفتارهای قلمروی اشاره دارند و در واقع آن‌ها را شرط لازم برای فعال‌سازی قلمروهای کالبدی می‌دانند. رفتارهایی چون نظارت، مالکیت، مسئولیت و هویت از این دسته هستند.

می‌توان قلمرو را در مدلی مفهومی برآمده از ارتباط انسان به‌عنوان کاربر با کالبد و محیط‌زیست دانست که براساس پیش‌فرض‌های فرهنگی و یا جغرافیایی تبدیل به ساختارهایی قابل شناسایی و متمایز شده است. پس مؤلفه‌های کالبدی متأثر از محیط به‌تنهایی مرز بین قلمروها را شکل نمی‌دهند بلکه قلمروها تحت تأثیر مؤلفه‌های رفتاری برآمده از تفاوت‌های انسانی و عوامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و حتی تفاوت‌های نژادی شکل گرفته و تثبیت می‌شوند. آلتمن در مورد تأثیر فرهنگ و اقلیم بر قلمرو نمونه‌های فراوانی را مطرح می‌کند. شکل حریم و قلمروی که برای خانه در کشورهای خاورمیانه تعریف می‌شود با شکلی از قلمرو و نشانه‌های قلمروی چون دیوارهای محوطه و یا درها و ورودی‌ها که در غرب و برای خانه‌ها تعریف می‌شود متفاوت است (تصویر ۲).

آن‌چنان‌که بیان شد مصادیق قلمرو و مؤلفه‌های کالبدی و رفتاری ذیل آن از جامعه‌ای به جامعه دیگر، با تغییرات کم یا زیادی روبه‌رو است. شاید با درنظرداشتن این وابستگی، نتوان به یک الگوی ساختاری واحد برای تمام جوامع رسید. در این‌جا محله سنتی ایرانی به‌عنوان ساختار فضا‌مند زیستی متأثر از نیازهای اجتماعی و فردی ساکنین در جهت تبیین شاخصه‌های منطبق با فرهنگ و اقلیم بومی مورد بررسی قلمروی قرار خواهد گرفت.



تصویر ۳. مؤلفه‌های تبیین‌شده قلمرو در کوچه. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۲. عوامل شکل‌دهنده قلمرو. مأخذ: نگارندگان.

فعالیتی شروع می‌کند را می‌توان به‌عنوان مرکز قلمرو در نظر گرفت. آن چنان‌که نوربرگ شولتز در مورد مرکزیت قلمرو آن را نقطه‌ای می‌داند که انسان به‌عنوان موجودی واجد روان [ادراک] در آن موضع می‌گیرد. نقطه‌ای که با درنگ در آن زندگی در فضا را تجربه می‌کند (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۱). این فعالیت می‌تواند فردی و یا جمعی باشد. در محله تمامی پاگردها و پله‌های موجود در کوچه‌های شیب‌دار یا گشایش‌ها و یا پناه‌های اقلیمی که امکان مکث و تجمع را دارا بودند از این دسته هستند. اضافه بر این سقاخانه‌ها، درختان، چشمه‌ها و یا تیرهای چراغ‌برق همگی در بسیار از موارد قابلیت ایجاد فضایی برای تجمع ساکنین را فراهم می‌آوردند و به‌عنوان مراکز قلمروی شناخته می‌شدند. در فضای قلمروی کوچه، مؤلفه مرزبندی در جهت روشن‌ساختن عرصه‌های قلمروی و جلوگیری از تعرض به عرصه‌های خصوصی به‌کار گرفته می‌شد. مجموعه درها، دروازه‌ها و دربندهای ابتدای هشتی‌ها را می‌توان به‌عنوان مرزهای صریح در کوچه نام برد. با این حال مؤلفه مرزبندی در کوچه، نمادها و ابرازهای دیگری نیز داشت. پله‌ها و رمپ‌ها هم‌زمان که امکان ایجاد یک مرکز قلمروی را به‌وجود می‌آوردند. تغییر در ارتفاع کوچه، سرپوشیده‌شدن کوچه و یا تغییر در عرض کوچه نیز به‌عنوان مرزبندی‌های شفاف قلمروی می‌تواند در نظر گرفته شود (جدول ۱).

• مؤلفه‌های کالبدی قلمرو در کوچه

مؤلفه‌های کالبدی قلمرو را می‌توان یکی از مؤثرترین عوامل در شکل‌گیری تدریجی فضای کوچه در تداخل و هم‌نشینی آن با فضای خصوصی خانه دانست. در کوچه، بافت محلات سنتی ایرانی از نظم خاصی پیروی نکرده و پدیده‌های تدریجی بوده است. شاید بتوان مهم‌ترین اصل را در تعیین عرصه‌های قلمروی مالکیت زمین و یا امکان دسترسی به آن دانست. کوچه‌های اصلی با دسترسی به مراکز محله، کوچه‌های بن‌بست، هشتی‌ها، دالان‌ها و دهلیزها بسته به این‌که دسترسی فضا چگونه است، نگهداری و مسئولیت آن به عهده کیست و رابطه‌ای که آن فضا با مالکیت خصوصی یک فرد یا اداره جمعی یک گروه دارد، می‌توان در بازه‌ای از خصوصی تا عمومی دانست. به‌طور مثال، وقتی ساکنین یک یا چند خانه برای ورود به خانه در فضای یک دهلیز مشترک هستند، مالکیت این فضا را نیز به‌صورت اشتراکی داشته و به‌تبع آن مسئولیت نظارت، نظافت و امنیت آن را همگی به‌صورت عملی بر عهده داشتند. در این حالت عرصه‌بندی فضایی، فضا را از ساختاری یک‌دست و یکپارچه خارج کرده و به خوشه‌های فضایی-اجتماعی متفاوت تبدیل می‌کند. از مؤلفه مرکزیت می‌توان به‌عنوان هسته شکل‌دهنده قلمرو در کوچه نام برد. فضایی که انسان در آن مکث کرده و در آن

جدول ۱. مدل مفهومی عوامل کالبدی قلمرو در کوچه. مأخذ: نگارندگان.

عوامل کالبدی قلمرو	مصادیق محله‌ای	مؤلفه‌های بومی قلمرو	توضیحات
عرصه‌بندی	کوچه بن‌بست، کوچه‌های که آخر آن مسدود است و راه به خارج ندارد. دالان/دهلیز، راهی مسقف که به یک یا چند خانه منتهی می‌شود (خصوصی). هشتی، فضایی عمدتاً سرپوشیده در ورودی یک یا چند خانه که می‌توانست با در بسته شود.	سلسله‌مراتب فضایی	امکان دسته‌بندی و عرصه‌بندی فضای مشاع براساس میزان دسترسی از عمومی به خصوصی
مرزبندی	دربندها/درها درگاه‌ها یا آستانه‌ها طاق‌ها یا قوس‌ها/ساباط پله‌ها و رمپ‌ها سرپوشیده‌شدن فضاها تغییرات عرض و ارتفاع کوچه	مرزبندی با المان‌های فیزیکی	استفاده از راهکارهای فیزیکی شامل انواع درها یا درگاه‌ها/قاب‌های ورودی رد جهت نمایش تغییر مالکیت فضایی
کرایی	فرورفتگی در کوچه‌ها گودال‌ها یا صفه‌های به‌وجودآمده از اختلاف سطح هشتی‌ها و فضاهای تقسیم سقاخانه‌ها چشمه‌ها و آبریزها درخت‌ها و عناصر طبیعی/ تیرهای برق	جدادگی فضایی مفصل‌های فضایی قرارگاه‌ها	استفاده از پارامترهای ارتفاع و عرض در جهت نمایش‌دادن فضای خصوصی‌تر/ هرچه ارتفاع یا عرض کم‌تر می‌شود فضا خصوصی‌تر می‌شود. الحاقتات فضایی/فرورفتگی/گودی‌هایی برنامه‌ریزی‌نشده که امکان تصرف گروهی خاص را دارا باشند/جایی برای توقف بدون مزاحمت در مسیر عبور فضایی که قابلیت دسترسی از مسیرهای گوناگون را داشته باشد. المان‌هایی آشنا و مشهود با قابلیت ارجاع‌دادن و امکان فضایی تجمع با تعداد کم یا زیاد یا در زمان کوتاه یا بلند

هست. این فعالیت‌ها که براساس مناسبت‌های مذهبی یا باستانی شکل می‌گیرد. رفتارهای ناشی از احساس مالکیت و مسئولیت در کوچه‌ها نمودهای فراوانی را دارا هستند که در این جا می‌توان از نظارت بر قسمت‌هایی از کوچه که هم‌جوار یک خانه است، توسط اهالی منزل را نام برد. در مواردی این رفتارها حالت نظارتی و در مواقعی از دفاع از قلمرو ناشی می‌شود. استفاده‌های گروهی از کوچه توسط اهالی کوچه از بارزترین گونه رفتارهای قلمروی ساکنان محلات سنتی است. واضح است که در طول شبانه‌روز و در فصل‌های مختلف حضور گروه‌های متفاوت زنان و مردان و سنین مختلف تغییر می‌یابد. امکان بروز رفتارهای اقتصادی ساکنین خانه‌ها در حوزه نفوذ در کوچه و هم‌جوار خانه‌ها یکی دیگر از رفتارهای قلمروی است. می‌توان این‌گونه استنباط کرد که اگرچه رفتارهای ناشی از احساس قلمرو در محلات سنتی ایرانی وابسته به فرهنگ رایج زمان خویش بوده است و ممکن است در سال‌های اخیر و تغییرات هنجاری و فرهنگی امروز که بیش از پیش به سمت الگوهای جهانی در حرکت است قابل تکثیر و انطباق نباشد، اما با تدقیق در آن‌ها و گذشتن از لایه رفتارهای جاری می‌توان به نیازهایی رسید که در زمان معاصر نیز مورد لزوم و احتیاج است. در این راستا مؤلفه‌های زیر دسته‌بندی و بیان می‌شود (جدول ۲).

• مؤلفه‌های رفتاری قلمرو در کوچه

رفتارهای قلمروی در «کوچه» در بازه‌ای از رفتارهای فردی تا گروهی و عمومی شکل می‌گیرند که هرکدام متناسب با مکان قلمرو و قرارگیری آن تغییر و اتفاق می‌افتند. رفتارهای قلمروی تحت تأثیر اهلیت در یک مکان، فعالیت‌های همسایگی و نیز برگزاری آیین‌های سنتی و مذهبی در کوچه بروز می‌یابند. مؤلفه رفتاری هویت براساس تجارب و خاطرات ساکنان از یک سکونت‌گاه به‌وجود می‌آید. هرچه نزدیکی و امکان دخل و تصرف در فضا برای ساکنین بیش‌تر باشد، رفتارهای هویتی در آن‌ها تقویت شده و ابرازهای قوی‌تری خواهد داشت. کوچه به‌عنوان فضایی قابل نفوذ خصوصاً هم‌جوار ورودی‌ها، سردرها و هشتی‌ها این امکان را به‌وجود می‌آورد تا با اضافه‌شدن به قلمرو نیمه‌عمومی خانه، زمینه را برای بروز رفتارهای قلمروی چون «آب و جارو کردن کوچه در زمان آمدن مهمان یا مهمانان مهم»، «چراغانی کردن کوچه» و یا «اسفند دود کردن» آماده می‌کند. نتیجه این که حوزه مالکیت و نفوذ از داخل خانه با توافقی نانوخته و جمعی، به فضای کوچه گسترش می‌یافت و قسمت‌هایی از فضای عمومی کوچه به فضایی نیمه‌عمومی یا نیمه‌خصوصی تبدیل می‌شد. فعالیت‌های گروهی و جمعی اهالی از بارزترین رفتارهای قلمروی مشهود در یک «کوچه» جدول ۲. مدل مفهومی عوامل رفتاری قلمرو در کوچه. مأخذ: نگارندگان.

عوامل رفتاری قلمرو	مصادیق محله‌ای	مؤلفه‌های بومی قلمرو	توضیحات
توجه	استفاده گروهی کودکان و نوجوانان از فضای عموم کوچه	استفاده اختصاصی از فضای عمومی	امکان دسته‌بندی و عرصه‌بندی فضای مشاع براساس میزان دسترسی از عمومی به خصوصی
	استفاده بزرگسالان (گروه‌های بانوان)، جوانان، امکان برگزاری جلسات حل و فصل مربوط به کوچه	امکان برگزاری مراسم آیینی یا باستانی	اختصاص فضای جمعی و عمومی در جهت برگزاری مراسم
توجه	فعالیت‌های خریدوفروش برای کودکان هر کوچه یا بانوان نظارت بر کوچه / آب‌پاشیدن از پنجره یا پشت بام / دیدزدن کوچه از پنجره	امکان فعالیت‌های اقتصادی	بررسی فضایی و کارکردی و در جهت امکانات تخصیص فضایی برای فعالیت‌های اختصاصی
	حساسیت نسبت به روشنایی شب به‌کارگیری افراد شب‌گرد	نظارت بصری	استفاده از راهکارهای فیزیکی شامل انواع درها یا درگاه‌ها / قاب‌های ورودی رد جهت نمایش تغییر مالکیت فضایی
توجه	پرس‌وجو نسبت به تردد افراد غریبه	آشنایی با همسایگان	شناخت نسبی همسایگان / عدم نگرانی از مسایلی چون سرقت و ناامنی
	آشنایی با همسایگان تازه‌وارد	استفاده از المان‌های اختصاصی	الحاقت فضایی / فرورفتگی / گودی‌هایی برنامه‌ریزی نشده که امکان تصرف گروهی خاص را دارا باشند / جایی برای توقف بدون مزاحمت در مسیر عبور
توجه	آب‌وجارو کردن کوچه در زمان ورود مهمان	مشارکت با همسایگان	فضایی که قابلیت دسترسی از مسیرهای گوناگون را داشته باشد.
	حساسیت نسبت به رفع مشکلات همسایگان		المان‌هایی آشنا و مشهود با قابلیت ارجاع دادن و امکان فضایی تجمع با تعداد کم یا زیاد یا در زمان کوتاه یا بلند

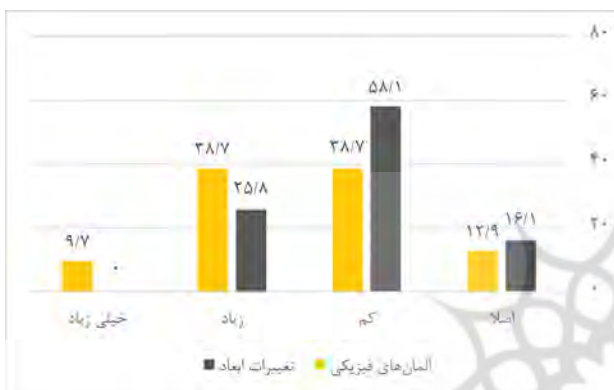
نتایج پژوهش

بر اساس مطالعات ارائه شده، قلمرو با سه مؤلفه عرصه بندی، مرکزیت و مرز بندی ذیل عوامل کالبدی و سه مؤلفه دفاع، مالکیت و هویت ذیل عوامل رفتاری تبیین شد. پس از بررسی کوچه به عنوان اولین واحد قلمروی محله، مؤلفه های بومی کالبدی و رفتاری قلمرو پیشنهاد شد. در ادامه پژوهش لازم است کمیت یا کیفیت وجود مؤلفه های به دست آمده به عنوان مؤلفه های بومی قلمرو در مجموعه مسکونی ارزان قیمتی چون نواب بررسی شد. در این راستا پرسش نامه ای تنظیم و با مشارکت اهالی مورد سنجش قرار گرفت. در این پرسش نامه معیار سلسله مراتب فضایی ذیل مؤلفه عرصه بندی و معیار مفصل های فضایی، قرارگاه ها و جدا شدگی فضایی ذیل مؤلفه مرکزیت و نیز استفاده از المان های فیزیکی برای مرز بندی و نیز به کارگیری تغییرات ابعاد در جهت نشان دادن مرزهای فضایی قلمروهای مختلف ذیل مؤلفه مرز بندی مورد سؤال قرار گرفت. در مورد مؤلفه عرصه بندی، حدود هفتاد درصد پرسش شوندگان به وجود سلسله مراتب فضایی و عرصه های عمومی تا خصوصی در مجموعه شان معتقد هستند (تصویر ۴). در خصوص مؤلفه مرز بندی با معیار مرز بندی با المان های فیزیکی حدود چهاردهشت درصد این مؤلفه را در مجتمع مشهود می دانند و مرز بندی با تغییرات ابعاد را تنها بیست و پنج درصد قابل تشخیص و موجود می دانستند (تصویر ۵). در مورد مؤلفه مرکزیت حدود بیست درصد از ساکنین نواب به وجود این مؤلفه در مجتمع زیستی شان معتقد هستند. در این میان معیار جدا شدگی برای بیست و دو درصد، معیار مفصل های فضایی بیست و نه درصد و معیار قرارگاه ها تنها برای شانزده درصد از ساکنین مشهود و کارا بود (تصویر ۶). در بررسی کلی مؤلفه های قلمروی مورد سؤال در مجموعه نواب کمی بیش از چهار درصد از ساکنین معتقد به وجود مؤلفه ها و معیارهای کالبدی قلمرو در مجتمع زیستی شان هستند و نزدیک به شصت درصد ساکنین مؤلفه های موجود را قابل لمس و موجود نمی دانند (تصویر ۷). در این میان عرصه بندی به عنوان بارزترین مؤلفه و مرکزیت به عنوان کمترین مؤلفه قلمروی مشهود در فضا بیان شد. لازم به ذکر است برای رسیدن به پاسخی دقیق تر در این پرسش نامه از حد میانه و متوسط استفاده نشد تا پرسش شوندگان نظر خود را صریح تر اعلام کنند.

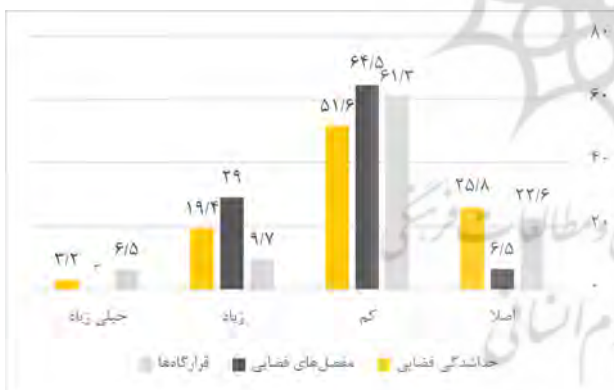
در بررسی عوامل رفتاری قلمرو معیار امکان فعالیت های اقتصادی، امکان برگزاری مراسم های آیین و باستانی و



تصویر ۴. توزیع مقایسه درصد فراوانی عرصه بندی. مأخذ: نگارندگان.



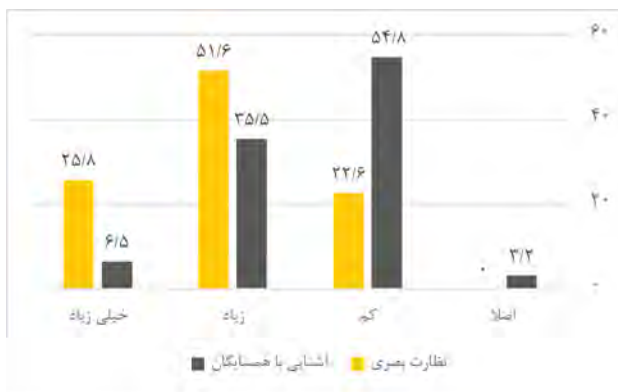
تصویر ۵. توزیع مقایسه درصد فراوانی مرز بندی. مأخذ: نگارندگان.



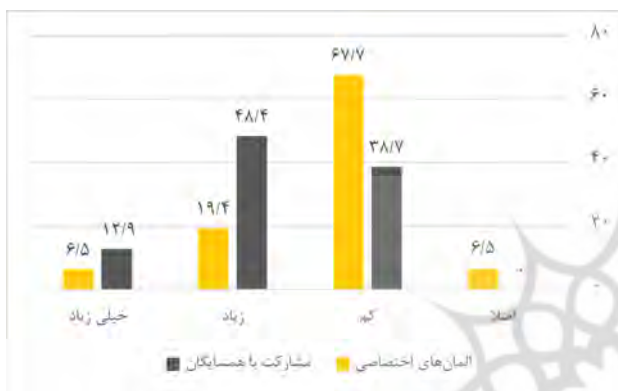
تصویر ۶. توزیع مقایسه درصد فراوانی مرکزیت. مأخذ: نگارندگان.



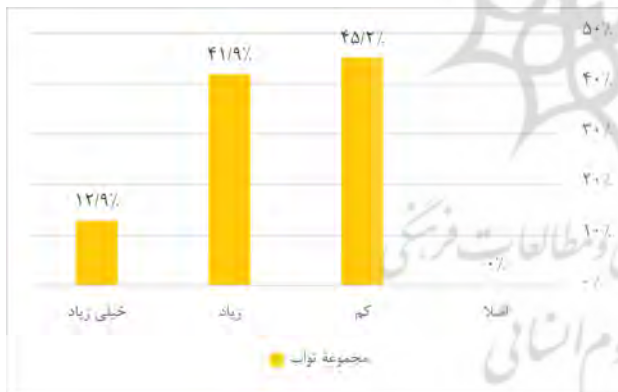
تصویر ۷. توزیع مقایسه درصد فراوانی مؤلفه های کالبدی قلمرو. مأخذ: نگارندگان.



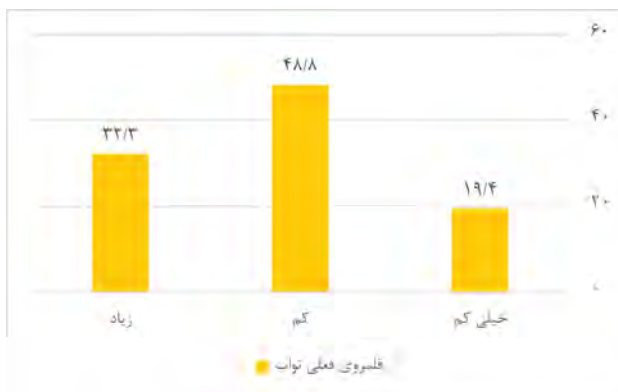
تصویر ۹. توزیع مقایسه درصد فراوانی دفاع. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۰. توزیع مقایسه درصد فراوانی مالکیت. مأخذ: نگارندگان.



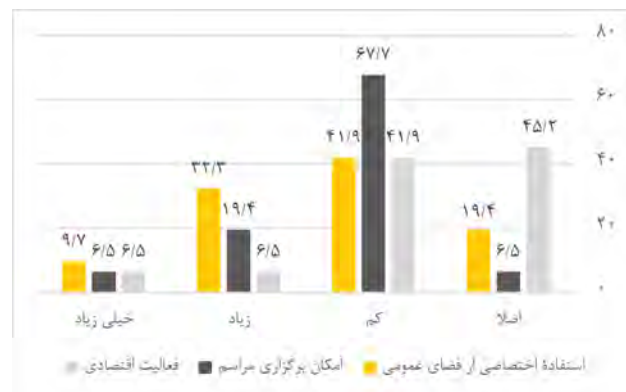
تصویر ۱۱. توزیع مقایسه درصد فراوانی مؤلفه‌های رفتاری قلمرو. مأخذ: نگارنده.



تصویر ۱۲. توزیع مقایسه درصد فراوانی وضعیت قلمروی فعلی مجتمع مسکونی تواب. مأخذ: نگارندگان.

استفاده اختصاصی از فضای عمومی ذیل مؤلفه مالکیت و معیارهای نظارت بصری و آشنایی با همسایگان ذیل مؤلفه دفاع و معیارهای استفاده از المان‌های اختصاصی و مشارکت با همسایگان ذیل مؤلفه هویت مورد پرسش قرار گرفت. بنابر نتایج به دست آمده ۳۸/۸ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد از فضاهای عمومی استفاده می‌کنند. ۲۵/۹ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد نیز در برپایی نمادهای سنتی و یا آیینی هم‌چون نمادهای محرم و یا نوروز مشارکت می‌کنند. از میان پرسش‌شوندگان تنها سیزده درصد در حد زیاد و خیلی زیاد امکان برپایی بازارچه‌های فصلی یا ماهانه یا هفتگی برای فروش محصولات تولیدی ساکنین در فضای عمومی مجتمع وجود دارد (تصویر ۸). در مورد معیارهای مرتبط با دفاع ۷۷/۴ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد معتقد به نظارت بصری هستند و چهل و دو درصد در حد زیاد و خیلی زیاد با همسایه‌های ساکن در طبقه خود آشنایی دارند (تصویر ۹). در مورد مؤلفه هویت تنها ۲۵/۹ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد در برپایی نمادهای سنتی و یا آیینی هم‌چون نمادهای محرم و یا نوروز مشارکت می‌کنند. ۶۱/۳ درصد از پرسش‌شوندگان در حد زیاد و خیلی زیاد با همسایگان مشارکت می‌کنند (تصویر ۱۰). در مجموع ۵۴/۸ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد معتقد به وجود مؤلفه‌های رفتاری در مجموعه نواب هستند (تصویر ۱۱). در این میان مؤلفه دفاع از قلمرو به‌عنوان بارزترین و احساس مالکیت بر فضا به‌عنوان کم‌ترین میزان پاسخ مثبت مشخص شد.

از بررسی سؤالات در هر دو بُعد کالبدی و رفتاری وضعیت فعلی قلمرو موجود (تصویر ۱۲) و وضعیت قلمروی مورد انتظار در مجتمع نواب سنجیده شد (تصویر ۱۳). در ادامه تحلیل‌ها برای به دست آوردن برآوردی دقیق‌تر در مورد تعاملات اجتماعی نیز ناظر به پرسش‌هایی که در این مورد در پرسش‌نامه گنجانده شد، وضعیت فعلی



تصویر ۸. توزیع مقایسه درصد فراوانی مالکیت. مأخذ: نگارندگان.

تحلیل نتایج

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده حاکی از آن است که مؤلفه‌های قلمروی در نمونه موردی نواب در سطوح متفاوتی مورد توجه قرار دارند. در مطالعه شاخص عرصه‌بندی، اکثر ساکنین معتقد به وجود عرصه‌بندی بودند. اما در مورد شاخص کالبدی مرکزیت، اکثر ساکنین، معتقد به وجود مرکزیت در فضاهای سکونتی موجودشان نبودند. با این حال در مورد شاخص مرزبندی بالای ۵۰ درصد ساکنین معتقد به وجود مرزبندی قلمرویی در فضا بودند. در مورد شاخص مالکیت تنها حدود شانزده درصد دارای احساس مالکیت قلمروی بودند. اما در مورد مؤلفه دفاع بیش از هشتاد درصد و هویت شصت و سه درصد موافق به وجود المان‌های رفتاری قلمرو بودند.

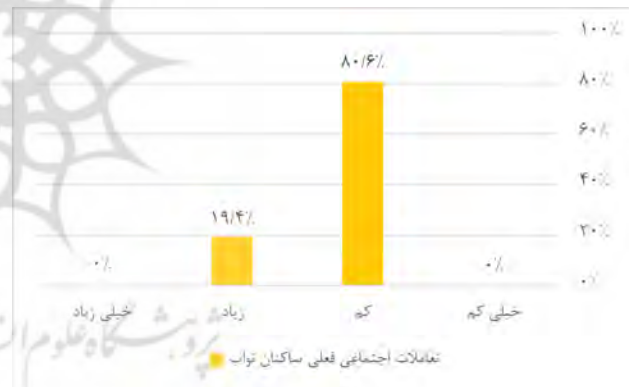
معیار مرکزیت در میان دیگر معیارهای کالبدی کم‌ترین میزان درصد پاسخ‌ها را در پرسش‌نامه به خود اختصاص داده بود. این معیار دارای زیرمعیارهای جداشدگی فضایی، مفصل‌های فضایی و قرارگاه‌ها است که می‌توانند به صورت مفهومی شبیه‌سازی شده و مورد بررسی و تکثیر در نمونه‌های دیگر قرار گیرند. مؤلفه مرکزیت و زیرمعیار قرارگاه‌ها، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در به‌وجود آوردن فضاهای جمعی است، که به نظر می‌رسد در این مجموعه از نگاه پاسخ‌دهندگان غایب و وجودشان مطلوب و لازم می‌نماید. هم‌چنین زیرمعیار جداشدگی فضایی نیز با توجه به پاسخ‌های داده‌شده محسوس نبوده و به کار گرفته نشده است. خرده فضاهایی که در کنار فضاهای عمومی برای استفاده گروهی و شخصی ساکنین مورد استفاده قرار گیرد. در مورد مرزبندی نیز، جداشدن فضاها توسط المان‌های فیزیکی هم‌چون علائم ورود ممنوع و یا کیوسک‌های نگهبانی و دروازه‌های ورودی در حد بالاتری از مرزبندی با تغییرات ابعاد تجربه کرده و مؤثر می‌دانند. با این حال به نظر می‌رسد به‌کارگیری ایده ایجاد مرزهای فضایی غیرشفاف به وسیله تغییرات ابعادی می‌تواند احساس حضور در فضایی تفکیک‌شده را برای ساکنین به‌وجود آورد. معیار رفتاری مالکیت نیز کم‌ترین میزان پاسخ را به خود اختصاص داد. این معیار دارای زیرمعیارهای استفاده اختصاصی از فضاهای عمومی، امکان برگزاری مراسم‌های آیینی و امکان فعالیت‌های اقتصادی برای ساکنین در مجتمع است. که در این میان، امکان فعالیت‌های اقتصادی تنها برای حدود سیزده درصد از پرسش‌شوندگان ممکن می‌کند.

در نگاهی کلی و طبق بررسی‌های انجام‌شده تنها سی و دو درصد از پرسش‌شوندگان از وضعیت فعلی قلمرو رضایت

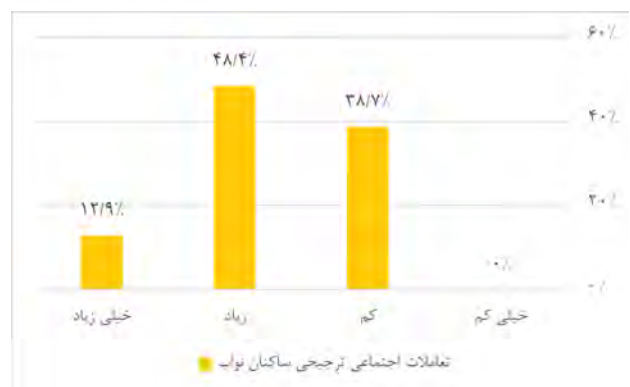
(تصویر ۱۴) و آن‌چه ترجیح ساکنین نواب است مورد پرسش و بررسی قرار گرفت (تصویر ۱۵). برای سنجش رابطه و تأثیرگذاری دو مؤلفه قلمرو و تعاملات اجتماعی در مجتمع نواب از ضریب همبستگی استفاده شد و ضریب همبستگی ۰/۳۹۸ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ استخراج شد.



تصویر ۱۳. توزیع مقایسه درصد فراوانی وضعیت قلمروی ترجیحی ساکنین مجتمع مسکونی نواب. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۴. توزیع مقایسه درصد فراوانی وضعیت تعاملات اجتماعی فعلی ساکنین مجتمع مسکونی نواب. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۵. توزیع مقایسه درصد فراوانی وضعیت تعاملات اجتماعی ترجیحی برای آینده ساکنین مجتمع مسکونی نواب. مأخذ: نگارندگان.

رفتاری حداقلی است. پس در این پژوهش با فرض این که قلمرو تعاملات اجتماعی را سامان‌دهی کرده و پررونق می‌نماید، سعی در به‌روزرسانی مؤلفه‌های کالبدی و رفتاری قلمرو است تا بتوان با به‌کارگیری آن‌ها تعاملات اجتماعی را در مجتمع‌های مسکونی افزایش داد. این نکته بسیار مهم است که در الگوی محلات سنتی قلمروها بیش‌تر اجتماعی فرهنگی و کالبدی بوده‌اند اما به‌نظر می‌رسد امروز بیش‌تر وجه کالبدی در ساخت قلمروهای فضایی مؤثر هستند. پس سعی بر آن است که با بازتعریف مؤلفه‌های قلمروی مستخرج از محله به‌خصوص در بُعد رفتاری و ذهنی و استفاده آن در مجموعه‌های بلندمرتبه ارزان مسکونی بتوان فردگرایی افراطی را به سمت تعادلی میان فرد و جمع پیش برد. در این‌جا به‌نظر می‌رسد طبق نتایج این پژوهش و مطالعات انجام‌شده‌ای که تعدادی از آن ذکر شد و هم‌چنان علاقه و ترجیح به داشتن تعاملات اجتماعی میان ساکنین بلندمرتبه‌های امروز و هم‌چنین به‌کارگیری راهکارهای قلمروی برای ساماندهی فضا بارز است. اما طراحان و سازندگان مجموعه‌های مورد مطالعه برنامه‌ریزی فضایی و رفتاری کافی برای حضور و ایفای نقش ساکنین در فضاهای جمعی نداشته‌اند. همین باعث شده در میان ساکنین تعاملات اجتماعی کم‌رنگ‌تر بوده و فردگرایی بارزتر دیده شود.

دارند، این در حالی است که شصت و یک درصد ترجیح دارند که مؤلفه‌های قلمروی ذکرشده بیش‌تر به‌کار گرفته شود. در این میان آن‌چه مورد توجه است از بررسی سؤالاتی است که به وضعیت تعاملات اجتماعی موجود در نواب پرداخته است، تنها نوزده درصد از تعاملات اجتماعی موجود رضایت داشته و در مقابل شصت و یک درصد از پرسش‌شوندگان علاقه‌مند به افزایش تعاملات اجتماعی در مجتمع نواب هستند. این رابطه نشان‌دهنده ارتباط خطی و مثبت مؤلفه‌های قلمرو با تعاملات اجتماعی در نواب است. در این‌جا به‌نظر می‌رسد با بازبینی و به‌کارگیری بیش‌تر دو مؤلفه مرکزیت در بُعد کالبدی و مالکیت در بُعد رفتاری می‌توان تغییرات مثبتی را در شرایط قلمروی موجود و افزایش تعاملات اجتماعی به وجود آورد.

نتیجه‌گیری

قلمرو لزوماً مرزبندی فضا نیست. بلکه بستری عینی و ذهنی برای ساماندهی فضا برای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی است. آن‌چه در محلات گذشته حاکم بوده است، هم‌زمانی تعاملات اجتماعی با قلمروهای فضایی و یا رفتاری است. اما آن‌چه امروز شاهد آن هستیم تعاملات اجتماعی در حد ضرورت و نیز قلمروهای کالبدی و

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- آلتمن، ایروین. (۱۳۸۲). محیط و رفتار اجتماعی، خلوت، فضای شخصی، قلمرو، ازدحام (ترجمه علی نمازیان). دانشگاه شهید بهشتی.
- براتی، ناصر و زرین قلم، فرزاد. (۱۳۹۲). بازشناسی مفهوم «راه» از دیدگاه یک جهان زبانی-فرهنگی با تأکید بر واژه‌های حوزه معنایی «فضاهای ارتباطی» در زبان فارسی. باغ نظر، ۱۰(۲۴)، ۱۰۵-۱۱۶.
- بحرینی، سید حسین و تاجبخش، گلناز. (۱۳۷۸). مفهوم قلمرو در فضاهای شهری. هنرهای زیبا، ۶، ۱۸-۳۰.
- رفیعیان، مجتبی؛ عسگری‌زاده، زهرا و عسگری‌زاده، محمد. (۱۳۸۸). ارزیابی میزان کیفیت مجتمع‌های سکونتی با تأکید بر رویکرد رضایتمندی در محله نواب. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۱۴(۱)، ۱۹۷-۲۱۲.
- عینی‌فر، علیرضا و آقالطیفی، آزاده. (۱۳۹۰). مفهوم قلمرو در مجموعه‌های مسکونی. هنرهای زیبا، ۳(۴۷)، ۱۷-۲۸.
- غیابی، محمد هادی؛ عظیمی، شراره و شهابیان، پویان. (۱۳۹۰). سنجش میزان ارتباط رضایتمندی سکونتی با متغیرهای مسکن و واحد همسایگی و محله (مجتمع مسکونی فارابی). هویت شهر، ۷(۱۵)، ۴۷-۵۸.
- کشفی، محمدعلی؛ حسینی، سید باقر و نوروزیان ملکی، سعید، (۱۳۹۱). نقش فضاهای عمومی ساختمان‌های مسکونی بلندمرتبه در افزایش تعاملات اجتماعی ساکنان. مدیریت شهری، ۱۰(۳۰)، ۷-۱۷.
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۷۹). طراحی فضاهای شهری نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی (ترجمه فرهاد مرتضایی). انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- لنگ، جان. (۱۳۸۱). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط (ترجمه علیرضا عینی‌فر). انتشارات دانشگاه تهران.
- منصور، سید امیر. (۱۳۹۲). سازمان فضایی در شهر اسلامی ایران. هنر و تمدن شرق، ۱(۱)، ۵۲-۶۴.
- نصری، محسن. (۱۳۷۴). مسکن عمودی، فرهنگ افقی. مجموعه مقالات سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران. تهران، ایران.
- نوربرگ شولتز، کریستین. (۱۳۸۱). مفهوم سکونت، به سوی معماری تمثیلی (ترجمه محمد امیر یاراحمدی). آگه.
- Huang, S. & Chun, L. (2006). A study of outdoor interactional spaces in high-rise housing. *Journal of Landscape & Urban Planning*, 78, 193-204.
- Mccarthey, D. & Seagert, S. (1978). Residential Density, Social Overload, and Social Withdrawal. *Human Ecology*, 6(3), 253-272.
- Lawson, B. (2001). *The Language of Space*. Butterworth-Heinemann.
- Pastalan, L. (1970). Privacy as an expression of human territoriality. In L. A. Pastalan & D. H. Carson (Eds.). *Spatial Behavior of Older People*. University of Michigan.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

شعبانی، محمد مهدی؛ منصور، سید امیر و براتی، ناصر. (۱۴۰۲). به‌کارگیری مؤلفه‌های بومی قلمرو در جهت افزایش تعاملات اجتماعی در مجموعه مسکونی نواب. باغ نظر، ۲(۱۳۰)، ۳۵-۴۴.

DOI:10.22034/BAGH.2023.323090.5089
URL:https://www.bagh-sj.com/article_185456.html

